

(۵) وقت غذا با حرکت و مشی خفیف بخانه یا رستوران مراجعت کن و پس از صرف غذای سبک کمی راه برو.

(۶) خوردن گوشت زیاد مضر است. سبزی مناسب صحت بدنست ولی

باید گوناگون باشد. از مشروبات پرهیز مگر موقع تجویز طبیب برای آلام.

(۷) وقت خواب را مرتب کن و کمتر از ۸ ساعت نباشد. افراط در

دخانیات سخت مضر است و قابل ضرری ندارد.

(۸) در هر هفته یک روز باید از کار معمول استراحت کرد

وحید

شرح حال رشید وطواط

نقل از مقدمه حدائق السحر نگارش میرزا عباسخان اقبال آشتیانی-

بقیه از شماره قبل تاریخ تالیف حدائق السحر

حدائق السحر را رشید معلوم نیست بنام کدام یک از خوارزمشاهیان که در خدمت ایشان بوده تالیف کرده ولی از قرائن معلوم میشود که انشاء کتاب مزبور در عهد ایل ارسلان (۵۵۱ - ۵۶۸) بسر و جانشین آتسز شده است زیرا که رشید صریحاً در مقدمه حدائق السحر آتسز را نورالله مضجعه (۱) دعا میکند و میگوید: در ایام دولت او عقود فضل منتظم بوده و بنای جهل منهدم از این طرز بیان یقین میشود که اگر چه نسخه ترجمان البلاغه را آتسز بر رشید نشان داده ولی تالیف حدائق السحر بمعارضه آن لا اقل بعد از فوت آتسز

(۱) در مورد دوم وفتیکه رشید میگوید خلد الله ملکه و سلطانه همچنین در آخر کتاب که گفته همیشه روزگار پادشاه فرخ و همابون باد فریب یقین است که مقصود رشید آتسز نیست و پادشاهی است که حدائق السحر بنام او نگاشته شده، حدس نگارنده در ذیل صفحه ۱ حدائق السحر درباب مختلف شدن صورت دو دعا و احتمال تصرف نسخ صحیح نیست.

انجام پذیرفته است و قرینه دیگری هم برای اثبات این مطاب هست بشرح ذیل :
 رشید در متن حدائق السحر (صفحه ۱۱) یکی از ابیات را که در موقع
 دور ماندن از خدمت آتسز گفته درج کرده و آن اینست :

شعر

در خدمت تو اسب معالی بناختم وز نعمت تو نردامانی بباختم
 این بیت جزء ترکیب بندی است بمطلم ذیل :
 ای شاه در فنون معالی ممیزی انواع فضل را سبب و اصل چیزی
 و ما سابقا يك بند از آنرا ذکر کردیم (۱) .

چون تاریخ دور کردن آتسز رشید را از خدمت خود بسال ۵۴۷ است
 و مقارن این تاریخ بوده است که رشید اشعار فوق را گفته پس تاریخ تالیف
 حدائق السحر برسال ۵۴۷ مقدم نیست از طرفی دیگر از موقعی که رشید بار
 دیگر بخدمت آتسز پیوسته (در همین سال ۵۴۷ یا ۵۴۸) تا موقع مرگ آتسز
 (جمادی الاخره ۵۵۱) این پادشاه بطمع ملک و تسخیر ممالک سنجری در
 حرکت و رشید ملتزم رکاب او بوده و خود رشید تصریح میکند که در نیمه
 ذی الحجه ۵۴۸ با او از یابان بین خوارزم و خراسان گذشته و بخراسان آمده
 است (۲) با شکایتی که رشید در ضمن سفر اخیر آتسز از مشکلات و مصائب
 سفرهای جنگی میکند و گرفتاری که در اداره امور دیوان رسالت و نقل و انتقال
 داشته مشکل بلکه مهال بوده است که مجال برای تالیف کتابی بدست آورده
 باشد و چون در عهد سلطانشاه (۵۶۸ - ۵۸۹) هم رشید سخت پیر و ضعیف
 بوده بعلاوه در حدائق السحر نیز بشرحی که گذشت اثری از شعرا و فضایی
 بعد از اواسط قرن ششم هجری نیست احتمال تالیف حدائق السحر در عهد
 سلطنت ایل ارسلان (۵۵۱ - ۵۶۸) از همه وقت قوی تر میشود .

(۱) رجوع کنید به صفحه ۲ از همین مجله . (۲) رسائل عربی و طواط ص ۴۵ ، ۲۴

(تقلیدها و تفسیرهای حدائق السحر)

بعد از آنکه کتاب حدائق السحر انتشار یافت بمناسبت اهمیت مقام رشید و طواط در ادب و کلام و حسن تالیف حدائق السحر و لطف موضوع آن ادبای زبان فارسی انرا باقبال تمام پذیرفته در بکار بردن صنایع و تقلید و تفسیر آن پرداختند و چون دوره تنزل شعر فارسی و زمان انحراف آن از خط مشی فصحای اولی این زبان نیز رسیده بود و غالب گویندگان بزور علم و استادی شعر میگفتند نه بر اثر طبع روان توجه به صنایع بدیعیه روز بروز زیاد تر شد و قرن هفتم و هشتم هجری یکدمه سخن سرایانی بوجود آورد که باستانی معدودی بیش از هر چیزی بساختن اشعار مصنوع و بکار بردن صنایع لفظی پرداختند و شعر روان لطیف فارسی را از سبک دل ربای رودکی و دقبقی و گویندگان عصر محمودی و سنجری بکلی منحرف کردند. از اواسط قرن هفتم هجری بعد یکدمه شعرائی پیدا شدند که مدتی از عمر خود را صرف ساختن قصاید مصنوع و ملون و بدیعیات کردند و با اینکه بقوه علم و استادی شعر هائی راجع باین موضوع ها ساخته و در این باب رنجهایی برده اند ولی ساخته های ایشان همه بی لطف و خالی از هر گونه فایده ادبی است و مشاهیر این جماعت بقرار ذیل اند

۱- فخرالدین قوامی مظفری گنجه‌ای از شعرای اواخر قرن ششم هجری صاحب

قصیده مصنوع بنام **بدایع الاسحار فی صنایع الاشعار**،

۲- سید قوام‌الدین حسین بن صدرالدین علی شروانی متخلص به **ذوالفقار** از شعرای نیمه اول قرن هفتم هجری صاحب قصیده مصنوعه‌ای بنام **مفاتیح الکلام فی مدایح الکرام** بنام صدر سعید الماستری از وزرای شروان که بقول دولتشاه ممدوح او را هفت خروار ابریشم بصله این قصیده داده است (۱)

(۱) تذکره دولتشاه ص ۱۲۱ و هفت اقلیم در ذیل شروان

۳- **بدر جاجرمی** از شعرای خواجه بهاءالدین محمد بن شمس الدین جوینی (متوفی سال ۶۸۷) و پدرش صاحب دیوان (مقتول در سال ۶۸۳) این شاعر در مدح خواجه بهاءالدین قصاید مصنوعه بسیار گفته است که آنها را با اشکال مختلفه میتوان خواند و غالب آنها موشح و مکرر و صاحب قوافی متعدد است .

۴- (شرف الدین فضل الله حسینی القزوینی) صاحب تاریخ معروف **المعجم فی آثار ملوک العجم** که در حدود ۷۴۰ فوت کرده و اوقصیده دارد بنام (نزهة الابصار فی معرفه بحور الاشعار) و قصائد مصنوعه دیگر

۵- (شمس فخری اصفهانی) از شعرای اواسط مایه هشتم مؤلف **فرهنگ معیار جمالی** صاحب قصیده **مخزن البحور**

۶- (خواجه سلمان ساوجی) ۷۰۹ - ۷۷۸ صاحب قصیده مصنوعی بنام

صرح ممرود در تقلید قصیده سید ذوالفقار شروانی

۷- (اهلای شیرازی) متوفی سال ۹۴۲ - که به تبعم سلمان ساوجی قصیده

بنام **مخزن الامعانی** ساخته و آنرا از شیراز بهرات پیش امیر علی شیر نوائی فرستاده است و غیر از این جماعت نیز گویند گمانی بوده اند که باین شکل و طرز قصایدی ساخته و اشعاری گفته اند .

اما تقلیدها و تفسیر هائیکه از حدائق السحر شده نیز زیاد است و تعداد

تمام موجب طول کلام خواهد شد فقط مادر اینجا به بهترین آنها اشاره میکنیم

۱- کتاب (المعجم فی مغایر اشعار العجم) تالیف (شمس الدین محمد بن

قیس رازی که در اوایل قرن هفتم هجری تالیف شده و شامل سه فن عروض

وقافیه و صنایع شعری است . مؤلف المعجم در جزو سوم از کتاب خود بسیاری

از مطالب و شواهد حدائق السحر را گرفته و بهیچوجه متعرض نقل آنها از حدائق

السحر نشده است و حدائق السحر در تالیف این قسمت از المعجم از مآخذ و

مصادر عمده شمس قیس بوده است (۱) .

۴ - **حدائق الحقایق** تالیف **شرف الدین حسن بن محمد رامی تبریزی** مؤلف کتاب **نفیس العیشاق** که آن کتاب را بنام بهادر خان اهر شیخ **اویس ایلکانی (۷۵۷ - ۷۷۶)** تالیف کرده و خود در مقدمه آن کتاب می‌گوید :

« . . . در اثنای بنده پروری بندگی حضرت سلطنت پناه خلدالله ملکه فرمود که رشیدالدین و طواط قصیده مرصع در حدائق السحر گفته و مدعای او آنست که از اول تا آخر مرصع است و مفاخرت نموده که در عرب و عجم کسی چنین قصیده انشاء نکرده است گزین بر تعریضی که او کرده است چگوئی که جز مصارع مطلع مرصع نباشد بساط حضرت بونسیده گفتم که حقا که نظر دقیق شاهد چنین نکته تواند بود و بتصدیق این ایراد از ناقلان خیر و ناقدان بصیر استماع افتاده که کتاب حدائق مجمل است و بتفصیل احتیاج دارد فرمان جهان مطاع بشرحی مفصل نفاذ یافت واجب شد نسخه مشتمل بر امثله و اشعار پارسی که در این عهد متداول است مسمی **بحدائق الحقایق** مرتب گردانیدن و الفضل للمنة دم » .

۳ - **دقایق الشعر** تالیف **علی بن محمد المشتهر بتاج الحلای** از امرای

قرن هشتم هجری و خود در مقدمه آن کتاب می‌گوید :

« بنده ضعیف نحیف علی بن محمد المشتهر بتاج الحلای احلی الله حلواه و احسن احواله را بر علم دقایق شعر عبوری افتاده بود و بر فن حقایق نظم عنوری حاصل شده بواعث همت و روعی نهمت بعضی از مخادیم و اصحاب تربیت تحریض نمود بر ساختن مجموعه که مستجمع مصنوعات درسی و مستودع ابیات پارسی باشد اگر چه بزرگان در استحداث این انواع تطویل کرده اند و در استخراج این اقسام اطناب نموده و رسوم و قوانین نهاده و در آن معانی داد بیان داده چنانکه

مصنف کاتب **حدائق السحر** استاد رشیدالدین وطواط که مبارزان میدان ادب و مبارزان دیوان هنر او را واضح قوانین این مباحث و رافع الویه این مسالك دانند و در نظم و نثر او را قدرتی ظاهر و قوتی وافر شناسند اما سبب این مستشهدات که در این زمان غیر مصطلح و لغات و ابیات که در این وقت غیر متداول است بیشتر خاطر ظرفا از تکرار آن مدول گشته و نفرت گرفته ، این بنده فقیر بنابر آنکه (لکل جدید لذه) از لطایف اشعار استادان التقاطی کردواز خرمن ایشان خوشه برچید و آنچه در آن باب از آن چاره نباشد و سخن شناسان ماهر اختیار کرده اند اعتبار کرد (لا تطویل ممل ولا تقصیر مغل) و فصلی چند جدا در معرفت بعضی از اجناس شعر و دانستن عیوب قوافی و اوصاف نامحمود ردیف این مجموع ساخت و این بضاعت مزجاة و تقدیر را دقیق الشعر نام کرد .

۴ - بحرالصنایع نظر شاعری بنام و تخلص حسن که در تاریخ ۷۳۱ منظوم شده و آن يك دوره علم بدیع است بنظم فارسی یعنی هر تعریفهای صنایع بنظم است و هر مثالها و ناظم آن از غالب شعرا حتی از سعدی و سلمان ساوجی که در موقع نظر این کتاب قریب بیست و دو سال پیش نداشته شاهد آورده ، شعر این کتاب سست و غالبا بیمزه و رکیک است ولی چون تالیف کتاب بدیع بدین اسلوب غرابی دارد آنرا نیز اسم بردیم و قسمتی از ابتدای آنرا که بموضوع بحث ما مربوط است در اینجا نقل میکنیم :

شبی در خلوتی بودم مفکر	زبان فکر در معنی مذکور
نکه کردم با نواع تئالیف	نظر کردم باصناف تصانیف
همی چیدم گل از باغ قدیمان	همی جستم نوای عندلیبان
در آن حالت ز بستان رشیدی	شنیدم باک مرغ من بریدی
که در عالم حدائق سحر باشد	چو شعری بر عروسان شعر باشد

نظر بردم بر آن باغ دقایق

ز هر مرغی هزار آوا شنیدم

.

براق خود در این میدان برانگیز

منوش از کاسه کس باده ناب

که بادت آفرین بر ذهن روشن

همه الفاظ نغز و معنوی آر

که با تومی نباشد کس برابر

چنانک اندر علوم نبض بقراط

بچنک همچو تو بازی اسیر است

که فوق کل ذی علم علیم است

ادیبانرا بده گنج بدایع

نهادم دست دل را بر حدائق

بهر شاخی هزاران دست دیدم

.

در آن ساعت خرد گفتا حسن خیز

مخواه از هیچ خانه شربت آب

بساز از ذهن خود چیزی در این فن

حدودش را بطور مثنوی آر

غزلها گو بامثالش سراسر

اگر چه بد در این فن چست و طواط

ولی و طواط مرغی بس حقیر است

مگو کین دعوی من بس عظیم است

بده نام خوشش بحر الصنایع

۵ - (تالیفات میرسید برهان الدین عطاء الله بن محمود مشهدی)

(متوفی سال ۹۱۹) مخصوصاً (کتاب بدایع الصنایع) که انرا در سال ۸۹۴

بنام امیر علی شیر نوائی نوشته و تکمیل الصنایع که انرا نیز بنام ان امیر دانش پرور

نگاشته و امیر عطاء الله در این دو کتاب مکرر شواهد حدائق السحر را می آورد

و باقوال رشید استشهاد میکند .

۶ - شرح بالنسبه مفصلی از حدائق السحر بقلم میرزا ابوالقاسم فرهنگ

(۱۲۴۲ - ۱۳۰۹) فرزند چهارم میرزا کوچک وصال شیرازی که در سال ۱۲۹۷

هجری تالیف شده و نگارنده نسخه خطی انرا بحض دست مرحوم میرزای فرهنگ

در ۲۵۳ ورق بقطع وزبری در طهران دیدم .

غیر از این کتاب که در فوق بذکر انها پرداختیم کتابهای متعدد دیگر

هم هست که مؤلفین آنها یا آنها را بتقلید حدائق السحر ساخته و یا مطالب آن کتاب را کم و بیش اقتباس کرده اند، بطور کلی بعد از انتشار حدائق السحر هر کس در زبان فارسی در صنایع بدیعی تالیفی کرده است حدائق السحر از مهمترین سرمشقها و مآخذ او بوده است.

طبعهای حدائق السحر

- تا اینجا که نگارنده اطلاع دارم تا کنون از این کتاب پنج چاپ شده. دو مرتبه علیحده و چهار مرتبه دیگر بضمیمه کتب دیگری بقرار ذیل:
- ۱ - در طهران بخط نستعلیق خوش در مطبعه سنگی بتاریخ ۱۲۷۲ هجری قمری که باوجود اغلاط باز بهترین چاپهای حدائق السحر است.
 - ۲ - در طهران بضمیمه منتخب اللغات رشیدی بسال ۱۲۹۱ هجری قمری در مطبعه سنگی. در این نسخه ناشر حدائق السحر را خلاصه کرده است (۱).
 - ۳ - بار دیگر بضمیمه دیوان اشعار و پریشان میرزا حبیب قآنی شیرازی و غزلیات میرزا عباس فروغی بسطامی بتاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری در طهران در مطبعه سنگی (۲).
 - ۴ - بقطع کوچک بخط نستعلیق علیحده در طهران در مطبعه سنگی بتاریخ ۱۳۲۱ هجری قمری.
 - ۵ - بقطع کوچک جیبی در عقب کتاب منتخب اللغه با حذف مقدمه و مثالهای عربی و اغلاط فراوان در سال ۱۳۲۲ هجری قمری چاپ سنگی در بمبئی که مثل غالب کتب فارسی چاپ هند که ایک پول سیاه نمیارزد. مباشر این طبع تصور کرده است که منتخب اللغه هم تالیف رشیدالدین وطواط است بهمین جهت حدائق السحر را هم در چاپ بان ضمیمه نموده

(۱) Edward و A Cat. of the pers. print. books in the B. M. 37

(۲) و 238 « « « « « « «

است در صورتیکه آن کتاب که (منتخب اللغات شاهجهانی یا رشیدی عربی) نام دارد از تالیفات عبدالرشید الحسینی التتوی صاحب (فرهنگ رشیدی فارسی) است و تاریخ تالیف آن ۱۰۴۶ است (۱) و آنرا عبدالرشید بنام شاه جهان (۱۰۴۷ - ۱۰۶۸) پادشاه مغول دهلی تالیف کرده (۲) و ناشر در مورد این کتاب هم ظلم نموده سر و دست آنرا شکسته و مقدمه آنرا حذف کرده است.

نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس

نسخه که نگارنده آنرا در بچاپ رساندن حدائق السحر مبنای طبع قرار داده نسخه است متعلق بکتابخانه ملی پاریس در جزء مجموعه کوچک بیاض مانندی بنشانه 1405 Supplément persan این نسخه که عکس صفحه اول و آخر آن در آخر همین مقدمه بطبع رسیده مورخ است بتاریخ هفتم شعبان ۶۶۸ یعنی قرین ۹۵ سال بعد از فوت و طواط مولف آن و تا حدی که نگارنده اطلاع دارم عالی‌المرجه این نسخه قدیم ترین نسخ موجود از حدائق السحراست و حدائق السحر در آن مجموعه از ورق 28b است تا ورق 72b .

غالب کلمات نسخه مزبور معرب و بسیار منقح و مصحح است ولی افسوس که از وسط آن دو ورق افتاده و چنانکه از ملاحظه متن چاپی واضح میشود از صفحه ۱ سطر ۱۲ تا صفحه ۳ سطر ۱۸ و از صفحه ۱۱ سطر ۱۵ تا صفحه ۱۳ سطر ۱۵ را نسخه اصل فاقد است و ما این قسمت را از روی نسخ دیگر نقل کردیم علاوه بر این مقدار افتاده که نسبت به تمام کتاب مقدار معنی بهی نیست نسخه پاریس مغشوش جلد شده و چند ورق متعلق باوایل کتاب در وسط آن قرار داده شده و اداره کتابخانه هم اوراق را بهمان شکل که بوده است نمره گذاشته و ما در طبع کتاب این نمره را حفظ کرده و آنها را بهمان حال باقی گذاشتیم .

(۱) ماده تاریخ آن : « منتخب بی بدیل »

(۲) Rieu و Cut.of the pers. Mss. 115100

از ابتدای f. 43b به بعد یعنی تا آخر نسخه ترتیب کتاب صحیح است و در همخوردگی ندارد ولی چهار ورق که بین صفحه f. 39a و f. 43b جا گرفته (۱) متعلق باوایل کتاب است و در اینجا زیادی است بطوریکه بین f. 39a و f. 43b مطلبی ساقط نشده است و این چهار ورق باید بعد از f. 28b یعنی صفحه اول کتاب و یکورق که افتاده (۲) قرار داده شود به ترتیب ذیل :

اول f. 42 بعد f. 41 بعد f. 43 بعد f. 43 بعد باندازه یکورق افتاده (۳) بعد f. 29 تا f. 39a که مرتب است و از f. 39a تا f. 43b چنانکه در فوق گفتیم چیزی نیفتاده بنا بر این از نسخه اصل خوشبختانه جز دو ورق دیگر ورقی ساقط و مفقود نشده است .

حدائق السحر با وجود کوچکی حجم دارای بعضی خصائص لغوی و صرف و نحوی و اصطلاحاتی است که در انشاء آن اعصار معمول و مرعی بوده ولی حالیه متروک شده است نسخه پاریس هم بمناسبت قدمت زمان تحریر بعضی املاها و خصائص رسم الخطی دارد که امروز دیگر متداول نیست و مادرطبع تمام آن املاها را حفظ کردیم و مهمترین خصائص رسم الخطی نسخه مزبور که در چاپ حاضر نیز رعایت شده بقرار ذیل است :

۱ - بین دال بی نقطه و ذال معجمه جا فرق گذاشته شده و بقاعده قدیم تمام دال های معجمی را که ما امروز دال تلفظ میکنیم بهمان شکل اصلی یعنی با نقطه نوشته است .

۲ - که موصوله را همه جا بلا استثنا کی ضبط کرده .

۳ - کلمات - هر که و هر چه و آنکه و آنچه و چونکه و هر آنچه و

۱ - رجوع کنید بمتن جایی ص ۳۲-۳۳ .

۲ - از ص ۱ سطر ۱۲ تا ص ۳ سطر ۱۸ از متن جایی .

۳ - از ص ۱۱ سطر ۱۵ تا ص ۱۳ سطر ۱۵ از متن جایی .

چنانکه، همه جا بدون هاء غیر ملفوظ آخری است یعنی هرک (ص ۴۰ و ۵۷)
 و جونک (ص ۴۹) و هرآنچ (ص ۷۱) و چنانک (ص ۱۷۲ و ۱۷۳) و هرچ (ص ۷۷)
 و آنچ (ص ۷۷ و ۷۸ و ۸۲) و آنک (ص ۷۵) مگر ندرتاً مثل هرکه (ص ۴۱)
 ۳ - ماقبل ضمیر (ش) در همه جا مکسور است و این مطابق تلفظ صحیح
 قدیم است و در نسخه های معرب قدیمی قرون ششم و هفتم صریحاً (ش)
 ضمیر را مکسور ثبت کرده اند و شعرا نیز رعایت این نکته را می نموده چنانکه
 شاعری گفته :

هرشب برآید از دو بنا گوشش خورشیدوگل گرفته درآغوشش
 رخسار او ز باغ سمن دزدید آنک همی برد دوسیه پوشش
 با عشق او صبوری که تواند باچرخ بر شده که کند کوشش
 (رجوع شود به المعجم ص ۲۹۴ - ۳۹۵ و لباب الالباب ص ۲۷۵ ج ۱
 و حواشی راحة الصدور ص ۴۸۲)

۴ - پ و چ و ژ و گ فارسی در همه جا بصورت ب و ج و ز و ک عربی
 است مگر در بعضی مواضع که ب و چ و ژ مثل حالیه بسه نقطه نموده شده
 مخصوصاً کلمه پارسی تقریباً در همه با پ سه نقطه است .
 ۵ - الف (است) گاهی باقیست و گاهی ساقط میشود .

۶ - غلطیدن با تاء دو نقطه ، غلٹی (ص ۸۴) بجای غلطی که امروز
 معمول شده شده است .

۷ - یاء خطاب یا یاء نکره بعد از هاء غیر ملفوظ را همیشه بصورت (هی)
 مینویسد مثل قطعه ، هی و مهره ، هی مگر گاهی که بدون یاء مینویسد مثل
 خانه ، و بعضی خصائص رسم الخطی جزئی دیگر .
 اما خصائص لغوی حدائق السحر چنانکه گفتیم بمناسبت کوچکی حجم

کتاب زیاد نیست و ما چند عدد از آنها را که در رتب دیگر آن ایام هم دیده میشود یاد داشت میکنیم :

(الاکی) بمعنی جر اینکه (ص ۷۰۱۹) و الا بمعنی جر (ص ۸۵) بی از آن بمعنی بی آن (ص ۲۶) و ما در باب این استعمال اخیر در موقع طبع ملتفت نشده صورت اصل را بمعنی آن تبدیل کرده ایم .

(ج) بهمین صورت بمعنی زیرا که (ص ۷۶۰۴۲۰۳۲)

(ج) بهمین صورت بمعنی بلکه (ص ۷۷)

(افتادن) بمعنی زائل شدن (ص ۷۲) مثال: جنالك شنونده را تهمت و شبهت

سرقه بیفتند .

بعلاوه در حدائق السحر بعضی اصطلاحات فارسی در ترجمه کلمات عربی هست که از فصیح ترین لغات قدیمه فارسی است و حالیه فراموش و بجای آنها کلمات عربی یا کلمات دیگری معمول شده است مثل: نمودار (ص ۳) بمعنی نمونه ، باز پسین (ص ۸) بمعنی آخرین ، پیشین (ص ۱۹) بمعنی قبل ، باشگونه = واژگونه (ص ۱۶ و ۸۶) بمعنی مغلوب و معکوس ، آخشبیج (ص ۲۴) بمعنی ضد ، دورویه (ص ۳۵) بمعنی موجه ، بریند (ص ۶۰) بمعنی وشاح ، درآزا (ص ۶۱) بمعنی طول ، پنا (ص ۶۱) بمعنی عرض چهار سو (ص ۶۱) بمعنی مریم پاره پاره بمعنی مقطع (ص ۶۳) پیوسته (ص ۶۴) بمعنی موصل ، بخشش (ص ۷۶) بمعنی تقسیم و غیره ها .

طهران اسفند ۱۳۰۸ هجری شمسی

عباس اقبال

جواب انتقاد لفظی

بقلم آقای کسروی

آقای مدیر : مقاله هائی که بقلر من بعنوان « تاریخچه شیرو خورشید » در مجله گرامی ارمغان چاپ یافت اگر شماره دوم مجله آرمانرا خوانده باشید مقاله ای در آنجا زیر عنوان « انتقاد لفظی » راجع بان مقاله ها انتشار یافته است .